

مدیریت و برنامه‌ریزی ساختمان و تجهیزات کتابخانه

■ بابک پرتو

عضو هیئت علمی بخش علوم کتابداری دانشگاه شیراز



■ عازم، پرویز. ساختمان و تجهیزات کتابخانه:

مدیریت و برنامه‌ریزی،

تهران: کتابدار، ۱۳۸۶، ۲۴۴ص،

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۱۴۳-۵۴-۷

برنامه‌ریزی‌های و الزامات طراحان و مهندسان ساختمان کتابخانه‌ها بوده است ... درحقیقت ساختمان کتابخانه‌های فعلی به‌مثابه مدل و نمونه عمل می‌کنند و باید موردنقد، تجدیدنظر و توسعه قرار گیرند. ورود و رواج کامپیوترها طراحی و تدارک فضاهای متفاوت و متمایز از گذشته را - با محیطی راحت و مطمئن - الزامی کرده است. اکنون نظام‌های انتقال اطلاعات و دانش از طریق کابل‌های برق و تلفن نیز انجام می‌شود. در چنین مواردی سطوح صاف و مسطح برای حمل و نقل چرخ‌های کتاب و نشریه کارایی خود را از دست خواهند داد».

مؤلف در مقدمه کتاب ساختمان و تجهیزات کتابخانه با رویکرد مدیریت و برنامه‌ریزی با تکیه به «تجربه درازمدت سی‌ساله خود در حرفه کتابداری» به‌درستی از «عدم توجه و به‌کارگیری نظر تخصصی و هنر حرفه‌ای کتابداری» گلایه کرده است. وی درنهایت به این نتیجه رسیده که «ساختمان و فضای بیشتر کتابخانه‌های موجود پاسخ‌گوی نیازهای روزافزون و مواد و منابع و وسایل و تجهیزات و کاربرد فناوری‌های آموزشی و اطلاعاتی نیست» وی «رابطه نزدیک و صمیمانه کتابدار و مهندس معمار و همکاری و همفکری ایشان» را درنهایت به «سود ساختمان» می‌داند.

به‌یقین نگارنده و سایر همکارانی که با مسائل ساختمان و تجهیزات کتابخانه سروکار دارند، نظر مؤلف را تأیید می‌کنند. ولی روشن نیست که چرا این دغدغه عمومی کتابداران بلافاصله جای خود را به خوش‌بینی مفرطی می‌دهد و کتاب علمی ارزشمند وی را به بولتن‌های تبلیغاتی سازمان‌های دولتی نزدیک می‌کند: «جامعه امروز ایران لزوم رشد صنعت نشر و تألیف و ترجمه کتاب‌های علمی و آموزشی و تهیه و تدارک تجهیزات و فناوری‌های نوین را لمس کرده است. تأسیس انواع کتابخانه‌ها در جای‌جای سرزمین پهناورمان، سفارش فراوان وسایل و لوازم کتابخانه، و انتشار کتاب بیشتر و نیاز مبرم سازمان‌ها و نهادها و کتابداران متخصص این امید را در دل

«تاریخ ایجاد ساختمان کتابخانه در جهان به دوران کهن و قرن‌ها پیش از میلاد مسیح می‌رسد. نخستین سنگ بنای کتابخانه را سران و زمامداران کشورها، نه به‌قصد صرفاً ایجاد کتابخانه، بلکه برای حفظ و نگهداری اسناد و گزارش‌های مخصوص و محرمانه پایه‌گذاری کردند. درحقیقت خود این عمل نشان‌دهنده آن است که در زمان قدیم چندان اختلاف و تفاوت خاص و محسوسی بین اتاقی که اسناد و گزارش‌ها را در آن نگهدار می‌کرده‌اند با کتابخانه وجود نداشته است ... جای پای نخستین کتابخانه‌های جهان را باید در معابد و صومعه‌ها و کاخ‌های عظیم پادشاهان و بزرگان علم جست‌وجو کرد ... بعضی می‌گویند نقش کتابخانه از نظر تاریخی با انقلاب دیجیتال (رقومی) تضعیف گردیده و سنتی شده است و در عصر اطلاعات انبوه و لحظه‌به‌لحظه‌ای، مخازن کتابخانه‌ها دیگر قدیمی و منسوخ گردیده‌اند. کتابخانه‌های امروزی باید انبوهی از خدمات را با دقت و سرعت در دسترس مراجعه‌کننده حضوری و تلفنی بگذارند و خواسته‌ها و مطالبات فناورانه را که پیوسته در حال افزایش است به قلب جامعه نیازمند اطلاعات برسانند. در همین حال کتابداران و کتابخانه‌ها ... فراهم‌آوری و اشاعه اطلاعات را با ساختمان‌های فعلی کتابخانه سازگار می‌کنند ... درحقیقت کتابخانه باید دارای فضایی باشد که تمامی خدمات کتابخانه‌ای را به‌شایستگی ارائه دهد. اگر دیروز به کتابخانه‌ای می‌رفتیم و کتابی را برای مطالعه در داخل کتابخانه یا منزل به‌امانت می‌گرفتیم، امروزه همان کتاب و یا هم‌تراز آن را می‌توان به‌صورت الکترونیکی درخواست کرد و در موارد دیگر نیازی نیست حتی به کتابخانه برویم. منابع الکترونیکی به‌شدت در حال افزایش است. شبکه‌های محلی و گسترده و به‌خصوص شبکه اینترنت و ارتباطات راه دور بسیاری از محدودیت‌های زمانی و مکانی را از بین برده‌اند یا کاهش داده‌اند. اکنون کتابخانه به خانه ما آمده است. ... در حالی که مقدار بسیار کمی از این تغییر و تحولات مدیون



**طرح و نقشه
ساختمان‌هایی که
احداث می‌شود تحت
تأثیر عوامل مختلف
چون دیدگاه‌های
شخصی و عقیدتی
قرار دارد و تهیه و
تدارک مواد و منابع
و وسایل کتابخانه در
گرو سلیقه‌هاست و
خطمشی خاصی را
دنبال نمی‌کند.**

به‌نظر می‌رسد «جامعه امروز ایران لزوم رشد صنعت نشر» را به‌خوبی درک کرده است. در سال‌های اخیر انتشار چندین کتاب در زمینه ساختمان و تجهیزات کتابخانه و آرشو خلاً بزرگی را که در این زمینه به زبان فارسی وجود داشت تا اندازه‌ای برطرف کرده است. بدیهی است که هنوز جای تألیفات دیگری در این زمینه، به‌خصوص درباره ساختمان و تجهیزات انواع کتابخانه‌ها خالی است و امید می‌رود که خیل فارغ‌التحصیلان این رشته در مقاطع مختلف این مهم را نیز در برنامه‌های تحقیقی و تألیفی خود فراموش نکنند. فهرست برخی از کتاب‌های منتشرشده در زمینه ساختمان و تجهیزات کتابخانه در پایان این مقاله آمده است.

کتاب پربار و ارزشمند استاد پرویز عازم گام ارزشمند دیگری در راه انتشار کتاب‌های تخصصی کتابداری، به‌خصوص در زمینه ساختمان و تجهیزات کتابخانه است. ویرایش اول این کتاب را در سال ۱۳۷۶ دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی منتشر کرده بود. ویرایش دوم، با تغییرات گسترده و سازمان‌دهی مجدد و افزودن مطالب جدید بسیار با همت مؤلف و تلاش نشر کتابدار منتشر شد که جا دارد در همین جا از مؤلف و ناشر برای انتشار این کتاب قدردانی شود.

تاریخچه بنای کتابخانه، برنامه‌ریزی و طرح ساختمان کتابخانه، ویژگی‌های ساختمان انواع کتابخانه، طراحی و نقشه ساختمان کتابخانه، گسترش ساختمان و حفاظت، فناوری اطلاعات و ساختمان، آرشوها و منابع دیداری و شنیداری، لوازم و تجهیزات به‌ترتیب فصل‌های نه‌گانه کتاب را تشکیل می‌دهند. تصاویر روشن و نقشه‌های متعدد و نمایه کتاب نیز بر غنای آن افزوده است. در مجموع اطلاعات مفید و متنوعی در کتاب آمده است که می‌تواند مورد استفاده استادان و دانشجویان کتابداری و به‌خصوص دانشجویان معماری علاقه‌مند به این مبحث قرارگیرد. مخاطب دیگر چنین متونی معمارانی هستند که درگیر طراحی ساختمان کتابخانه‌اند. مدیران سازمان‌های مادر کتابخانه و مدیران کتابخانه‌ها نیز در حیطه مخاطبان چنین کتاب‌هایی هستند. «همراه کتاب یک سی. دی منتشر شده است که علاوه بر تصاویر متنوع و فراوان مربوط به جنبه‌های مختلف ساختمان و تجهیزات کتابخانه حاوی خلاصه‌ای از محتوای کتاب نیز هست» (ص ۳).

همه دوستداران کتاب و کتابخانه به‌وجود آورده که در راه تجهیز و تکمیل کتابخانه‌های موجود و برنامه‌ریزی طرح و نقشه کتابخانه‌های آینده گام‌های بلند و درستی برداشته شده است. مسلماً درک عمیق مسئولان و برنامه‌ریزان به تأسیس و توسعه کتابخانه‌ها با استفاده از همکاری‌های مردمی، آینده امیدبخش و پربار این توجه و تلاش را تضمین می‌کند ... از دست‌اندرکاران این تلاش همگانی تقاضا می‌شود از نقش کتابداران حرفه‌ای و از به‌کارگیری تجربه و تخصص و اطلاعات مفید آنان دریغ نورزند، یعنی آنها را در هر مرحله از برنامه‌ریزی و طرح نقشه ساختمان کتابخانه سهیم کنند ... زیرا رابطه نزدیک و صمیمانه کتابدار و مهندس معمار و همکاری و همفکری ایشان بالمآل به‌سود ساختمان کتابخانه خواهد بود».

مؤلف در بخش «فعالیت‌های کتابخانه‌ای» با اشاره به پاره‌ای از کاستی‌های موجود در ساختمان و تجهیزات کتابخانه‌های ایران اذعان می‌کند که «هنوز ضرورت برنامه‌ریزی احساس نشده است. طرح و نقشه ساختمان‌هایی که احداث می‌شود تحت تأثیر عوامل مختلف چون دیدگاه‌های شخصی و عقیدتی قرار دارد و تهیه و تدارک مواد و منابع و وسایل کتابخانه در گرو سلیقه‌هاست و خطمشی خاصی را دنبال نمی‌کند. خدمات منوط به سیاست‌هاست نه استانداردها، به‌طور کلی استانداردهای بین‌المللی ساختمان و تجهیزات به‌کار گرفته نمی‌شود» (ص ۹۹) یا در جای دیگری نومیدانه ابراز کرده که «کتابدار فقط می‌تواند امیدها و آرزوهای غیرممکن خود را ابراز کند» (ص ۱۰۶).

در این کتاب به بخشی از اصول همکاری‌های مذکور و سهم عمده کتابدار و موقعیت کتابخانه در انجام وظیفه و رسالتی که به‌عهده دارد، اشاره شده است. البته این آرزوی همه کتابداران است که «همکاری و همفکری» بین کتابداران و مهندسان معمار در این امر مهم به‌وجود آید و «گام‌های بلند و درستی» نیز در این راه برداشته شود. ولی ای کاش شواهد و استنادی نیز برای این «آینده امید بخش» ارائه می‌شد.

خوشبختانه فعالیت‌های پربار ناشرانی چون نشر کتابدار نشان‌دهنده رشد ناشران تخصصی در سال‌های اخیر در ایران است و

به‌رغم این ادعا که «معادل انگلیسی اصطلاحات و نام اشخاص به حروف لاتین در پایین هر صفحه گنجانیده شده است»، کتاب علاوه بر آنکه فاقد واژه‌نامه است، از آوردن معادل انگلیسی این اصطلاحات نیز در اکثر موارد خودداری شده است

طبق گفته مؤلف علاوه بر خلاصه‌ای از محتوای کتاب، «بسیاری از مطالب جدیدی که حتی در کتاب موجود نیست در سی. دی عرضه شده است» (ص ۳).

در پایان مقدمه، مؤلف «از همکاران ارجمند کتابدار تقاضا دارد بر این همکار قدیمی منت گذارده، لغزش‌ها و نواقص کتاب را نادیده نگیرند» (ص ۸). ضمن ادای احترام به این استاد قدیمی و پیش‌کسوت لازم می‌دانم که به برخی از نکات کتاب که به‌نظر بنده نیاز به اصلاح دارند، نگاهی دوباره بیفکنند و در صورت تأیید و صلاح‌دید همان‌طور که پذیرفته‌اند، ابتدا در سی. دی و سپس در متن کتاب اصلاح فرمایند. در مجموع کتاب ساختار درست و حساب‌شده‌ای دارد و با رفع پاره‌ای از موارد که به آن اشاره می‌شود، می‌تواند به‌منزله منبعی مطمئن و موثق مورد استفاده افراد ذی‌نفع قرار گیرد. در این بررسی نگاهی به فصل‌های یک تا پنج (تا ص ۱۴۲) شده است.

نکاتی درباره فصل‌بندی مطالب کتاب

از نظر تسلسل مطالب بهتر بود «ویژگی‌های ساختمان انواع کتابخانه» به فصل دوم و «برنامه‌ریزی و طرح ساختمان کتابخانه» به فصل سوم منتقل می‌شدند.

فصل پنجم «استانداردها، بخش‌ها و خدمات کتابخانه». بهتر بود استانداردهای موجود به‌خصوص آنها که جنبه مقداری دارند در بخش ضمیمه‌های کتاب آورده می‌شد. چون این کتاب یک متن درسی دانسته شده است با آوردن استانداردهای کمی در فصل‌های کتاب انتظار می‌رود که دانشجویان این ارقام را به‌خاطر بسپارند. حال آنکه به‌حفاظت‌سپردن این ارقام نه ممکن است و نه لازم. تنها ذکر پاره‌ای از استانداردهای کیفی و برخی از ارقام پایه‌ای و کلیدی در این فصل می‌تواند مفید باشد.

توصیه می‌شود که فصل پنجم به‌طور کلی به بخش‌ها و خدمات کتابخانه اختصاص یابد (ص ۱۰۶ - ۱۲۰) با حذف بخش‌های مربوط به تجهیزات و لوازم مانند برگه‌دان، قفسه‌های کتاب، میز مطالعه، صندلی و میز مرجع.

تجهیزات و لوازم از فصل پنجم به فصل نهم «لوازم و تجهیزات» منتقل شود.

«استانداردها» در یک بخش جداگانه در پیوست کتاب عنوان شود. اگر اصراری بر ذکر استانداردها در فصل‌های کتاب است، همراه بخش‌های کتابخانه و لوازم در فصل‌های مربوط بیاید.

تصاویر فصل چهارم از صفحه ۱۲۳ تا ۱۴۲ با توجه به نوع تصویر، در فصل نهم (تصویر ۱، ۲، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۸، ۲۰، ۱۹) «لوازم و تجهیزات» و چهارم «بخش‌ها و خدمات» توزیع شود.

به‌رغم این ادعا که «معادل انگلیسی اصطلاحات و نام اشخاص به حروف لاتین در پایین هر صفحه گنجانیده شده است» (ص ۳)، کتاب علاوه بر آنکه فاقد واژه‌نامه است، از آوردن معادل انگلیسی این اصطلاحات نیز در اکثر موارد خودداری شده است. با توجه به اینکه اغلب اصطلاحات ساختمان و تجهیزات کتابخانه از منابع لاتین (انگلیسی‌زبان) گرفته شده است، بهتر بود معادل انگلیسی اصطلاحات در زیرنویس صفحات ذکر می‌شد تا خواننده بتواند به‌راحتی با منابع اصلی ارتباط برقرار کند. به‌خصوص اینکه در نقشه‌های ساختمان عموماً از اصطلاحات لاتین استفاده می‌شود. کتاب در موارد معدودی

اصطلاح انگلیسی را در مقابل معادل فارسی آورده است، اما هماهنگی در این مورد رعایت نشده است. در بعضی از نمودارها معادل لاتین اصطلاحات ذکر شده (ص ۴۵ - ۴۸)، ولی در بعضی دیگر معادل لاتین نیامده است (ص ۴۴، ۶۸ - ۶۹)، مثلاً معادل انگلیسی «قمطر یا دولاپچه» (lectrinum)، «قفسه‌بندی» (shelving) یا «shelf practice»، «قفسه‌بندی دیواری» (wall shelving) (ص ۱۵) و قفسه‌های متحرک (ص ۱۴) (amarium) چیست؟ البته فقط در فصل هفتم و هشتم در زیرنویس صفحات معادل برخی از لغات و اصطلاحات ذکر شده است. در سایر فصل‌ها فقط به ذکر معادل نام اشخاص به لاتین اکتفا شده است. در صفحه ۱۸۰ (و صفحه ۱۸۴) معادل لاتین یک اصطلاح در مقابل آن ذکر شده است: «چندرسانه‌ای» (multimedia).

بهتر بود که نقل قول مستقیم از منابع با ذکر نام آن منابع همراه می‌شد. مثلاً در صفحه ۱۴ این عبارت عیناً از صفحه ۱۰۸ تاریخ کتاب سوند دال نقل شده است «در قرن چهاردهم نوع جدیدی از وسایل کتابخانه‌ای به‌نام قمطر (= دولاپچه) وجود داشت که عبارت بود از نوعی میز مطالعه با سرپوش مایل که کتاب روی آن قرار می‌گرفت».

نکاتی که به بازنگری و اصلاح نیاز دارد

پاراشمن که «نوعی پوست آهو بود» (ص ۱۰). «پاراشمن پوست گوسفند یا بز که با زاج و واکس مخصوص دباغی می‌شود ... پاراشمن نرم‌تر از کاغذ پوست گوساله است» (پوری سلطانی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۵). در هیچ منبعی تا کنون پاراشمن را پوست آهو عنوان نکرده‌اند. دنباله مطلب در ص ۱۴ نیز عیناً از صفحه ۱۰۸ منبع یاد شده نقل شده است (بدون ذکر منبع).

«در کتابخانه اسکندریه نیز به حفظ و نگهداری این مواد توجه می‌شد ... کتابداران نیز موظف بودند مواد کتابخانه اعم از الواح گلی، طومارهای پایروس، نسخ خطی و کتب چاپی را بازسازی کنند و آنها را تمیز و مرتب نگهدارند» (ص ۱۲). این نکات گرچه اطلاعات خوبی درباره حفاظت و نگهداری مواد کتابخانه‌ای در دوران گذشته است، باید روشن شود که این کتاب به ساختمان کتابخانه پرداخته است یا به حفاظت و نگهداری مواد کتابخانه‌ای؟

«اولین کتابخانه مسیحی در دیرها و کلیساها تشکیل و دایر شد» (ص ۱۳). به‌نظرمی‌رسد در این جمله غلط چاپی وجود دارد و به‌جای «کتابخانه» بهتر است از «کتابخانه‌ها» استفاده شود.

«کتابخانه واتیکان قدیمی‌ترین کتابخانه اروپا» (همان‌جا). این کتابخانه از چه نظر قدیم‌ترین است؟ و تکلیف کتابخانه‌هایی که در صفحات قبلی به آن اشاره شده است، چه می‌شود؟

«در این مدل تقریباً همه بخش‌های کتابخانه در یک طبقه جای می‌گیرند» (ص ۱۹). آیا منظور همان کتابخانه یک اتاقه یا کتابخانه در یک سالن است؟ این نوع کتابخانه در دهه ۱۹۶۰ از طرف برخی از کتابداران انگلیسی و اسکاندیناوی مطرح شد. بنابراین با توجه به ترتیب تاریخی که ظاهراً در کتاب رعایت شده است، بهتر بود پس از کتابخانه مودولار (مادیولار) مطرح می‌شد. در صفحه ۱۰۷ به این نوع کتابخانه تحت عنوان «کتابخانه خودگردان یک‌نفره یا کتابخانه‌ای که یک سالن دارد» اشاره شده است.

«قطعانی» یا مودولار (همان‌جا). با پیروی از ایده



نخستین سنگ بنای کتابخانه را سران و زمامداران کشورها، نه به قصد صرفاً ایجاد کتابخانه، بلکه برای حفظ و نگهداری اسناد و گزارش‌های مخصوص و محرمانه پایه‌گذاری کردند

آنگوس اسنید مک دونالد^۲ که توصیه می‌کرد ستون‌هایی با فاصله ثابت به‌جای دیوارهای حمال در سالن اصلی گذارده شود، دکتر رالف السورث^۳ در دانشگاه ایالتی آیوا ساختمان کتابخانه‌ای را طراحی کرد که مادولار^۴ خوانده می‌شود. در سیستم مادولار ساختمان به‌وسیله ستون‌هایی که در فواصل معین کار گذاشته شده است، نگهداری می‌شود. ساختمان مادولار از قطعات مساوی ساخته شده است. قطعه یا بخش^۵ که محوطه بین چهار ستون است، می‌تواند به‌شکل مربع، مستطیل، لوزی یا ذوزنقه باشد. در این سیستم واحد مقیاس بخشگان یا مادبول^۶ است.

چرا به‌جای «قطعاتی» از بخشگانی که مأنوس‌تر است، استفاده نشده است؟ چه اصراری در ابداع واژه‌های جدید وجود دارد؟ نتیجه آن جز سردرگمی خوانندگان چیست؟ در ضمن معادل انگلیسی "Modular construction and planning" که برای «روش قطعاتی یا مادولار» ذکر شده است، به مفهوم برنامه‌ریزی است تا روش. معادل درست "Modular system" است که از آن برای نظام بخشگانی استفاده می‌شود.

- «در سیستم (نظام) مادولار قفسه‌های متحرک» (ص ۲۰). چون از اصطلاح «قفسه‌های متحرک»^۷ برای نوعی خاص از قفسه‌های کتابخانه استفاده می‌شود، بهتر است در اینجا از اصطلاح «قفسه آزاد»^۸ استفاده شود. البته جا داشت که درباره روش قفسه‌بندی فشرده متحرک^۹ در بخش لوازم و تجهیزات توضیحاتی ارائه می‌شد. - بند دوم صفحه ۲۰ تا پایان این فصل در صفحه ۲۱ به «نقش اصلی بنای کتابخانه» پرداخته است که ارتباط چندانی با تاریخچه بنای کتابخانه ندارد و بهتر بود به فصل دیگری مثل فصل دوم «برنامه‌ریزی و طرح» منتقل می‌شد.

از نقاط عطف در ساختمان کتابخانه‌ها نقش لابروست معمار فرانسوی است که در سال ۱۸۶۸ ایده ساختمان با عملکرد ثابت^{۱۱} را ارائه کرد. کتابخانه ملی فرانسه^{۱۲} در پاریس و به‌دنبال آن تا سال ۱۹۴۰ بسیاری از ساختمان‌های کتابخانه در اروپا و آمریکا و سایر نقاط جهان از سبک لابروست در طراحی ساختمان‌های کتابخانه استفاده کردند. کتابخانه لابروست بنایی تاریخی با سقف‌های بلند در سالن مطالعه و قفسه‌های کتاب ثابت بود.

- «علاوه‌بر کمیته برنامه‌ریزی و ساختمان، کارمندان و استفاده‌کنندگان نیز به‌نوبه خود نقش‌هایی ایفا می‌کنند» (ص ۲۳). در کمیته برنامه‌ریزی ساختمان کتابخانه^{۱۳} افرادی چون کتابدار و معمار و مشاور و نمایندگانی از سازمان مادر و کاربران کتابخانه شرکت می‌کنند. کتابدار به‌نماینده‌گی از کارکنان کتابخانه در این کمیته حضور دارد و دیدگاه‌های آنها را منعکس می‌کند. در ضمن عبارت «کمیته برنامه‌ریزی و ساختمان» بهتر است به کمیته برنامه‌ریزی یا کمیته برنامه‌ریزی ساختمان کتابخانه تصحیح شود.

- «در کمیته برنامه‌ریزی باید نمایندگان دولت و یا مقام‌های مسئول نیز شرکت کنند» (ص ۲۴). البته حتماً منظور مؤلف نمایندگانی از سازمان مادر کتابخانه است نه نماینده دولت. فقط در سطح کتابخانه یا آرشیو ملی ممکن است از دولت خواسته شود که نماینده‌ای برای شرکت در جلسات تصمیم‌گیری معرفی کنند. «بدون مشارکت مقامات مسئول اداری و مالی و گروه‌های علاقه‌مند» که قطعاً مقصود، مقاماتی از سازمان مادر کتابخانه هستند. اما گروه‌های

علاقه‌مند چه کسانی یا گروه‌هایی هستند؟ هرکس که به مسائل کتابخانه علاقه‌مند است می‌تواند در این کمیته شرکت کند؟ یا منظور گروه‌های ذی‌نفع است؟

- «ایجاد کتابخانه» (ص ۲۵) که حتماً منظور ایجاد ساختمان کتابخانه است.

- پیمانکار ساختمان کتابخانه فقط در مراحل اجرایی با دریافت تصمیم کمیته برنامه‌ریزی کار خود را شروع می‌کند (همان‌جا). در هیچ یک از متون ساختمان کتابخانه به لزوم شرکت پیمانکار در امور برنامه‌ریزی اشاره‌ای نشده است. ص. ۲۶.

- مهم‌ترین نقش کتابدار، میانجی‌گری بین گروه ساختمانی از یک طرف و سازمان کتابخانه از طرف دیگر است. البته نقش میانجی‌گری به مشاور سپرده می‌شود نه کتابدار. چون کتابدار و معمار و گروه فنی از واژگان متفاوتی استفاده می‌کنند (گاهی اوقات گروه فنی کتابدار را به رسمیت نمی‌شناسد و پذیرش او برایشان مشکل است. در چنین مواقعی مشاور که معمولاً خود مهندس است یا تجربه زیادی در امور ساختمانی کتابخانه دارد بهتر می‌تواند با گروه فنی به‌نماینده‌گی از طرف کتابخانه و کتابدار ارتباط برقرار کند.

- در شماره بندهای بخش «برنامه‌نویسی» (ص ۲۶ - ۲۷) بهتر است بازبینی شود، مثل شماره ۹ و ۱۰ که با شماره‌های ۱ تا ۸ هماهنگی ندارند.

- بعد از بند ۱۰، «عواملی که نیازهای کتابخانه براساس آنها پی‌ریزی می‌شود» (ص ۲۷)، از این سرفصل می‌توان به‌عنوان مبحثی مستقل در بخش «برنامه‌نویسی» استفاده کرد و بهتر بود با حروف پررنگ و با فاصله از بند ۱۰ چاپ می‌شد.

- «امروزه سقف کوتاه به‌دلایلی موردپسند است» (ص ۲۷). بهتر بود به این دلایل اشاره می‌شد یا حداقل چنانچه در صفحات یا بخش‌های بعدی این دلایل آمده است، مورد اشاره قرار می‌گرفت.



**طرح و نقشه
ساختمان‌هایی که
احداث می‌شود تحت
تأثیر عوامل مختلف
چون دیدگاه‌های
شخصی و عقیدتی
قرار دارد و تهیه و
تدارک مواد و منابع
و وسایل کتابخانه در
گرو سلیقه‌هاست و
خطمشی خاصی را
دنبال نمی‌کند**

سایر موارد ذکر شده از جمله آسانسور کتاب^{۱۴} می‌توان استفاده کرد. - «از آنجاکه کتابخانه‌های مدارس غالباً عصرها و ایام تعطیل برای استفاده دانش‌آموزان باز است» (ص ۳۳). آیا مدرسه‌ای را در ایران سراغ دارید که کتابخانه آن عصرها و روزهای تعطیل باز باشد؟ بهتر بود عنوان می‌شد که باید باز باشد یا بهتر است که باز باشد. - «لازم است مراجعه‌کنندگان مناسب‌بودن محل (کتابخانه) و جای آن را تأیید کرده باشند» (همان‌جا). راستی در کدام کشور انتخاب محل ساختمان کتابخانه را به رأی و نظر مراجعه‌کنندگان می‌گذارند. نظر مراجعه‌کنندگان آینده کتابخانه را که فعلاً در دسترس نیستند، چگونه می‌توان پیش‌بینی کرد؟ - درباره موقعیت محل (کتابخانه) (همان‌جا)، بهتر بود همانند بخش «استفاده مشترک» (ص ۳۴) اشاره می‌شد که این نکات مربوط به کتابخانه‌های عمومی است. انواع دیگر کتابخانه‌ها الزامات خاص خود را دارند. در مجموع به نظر می‌رسد که با توجه به تجربه و سابقه شغلی مؤلف، کتابخانه‌های عمومی بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. در مقدمه یا عنوان کتاب باید بر این مسئله تأکید می‌شد. «نقش و هدف کتابخانه عمومی خیلی بالاتر از مجموعه‌سازی و بهره‌برداری از آن است» (ص ۷۲) یا «برنامه‌ریزی ساختمان کتابخانه عمومی طرح کلی» (ص ۷۵). - بند و. «آیا در بخش‌هایی از ساختمان کتابخانه سیگار کشیدن مجاز است؟» (ص ۳۵) این پرسش در دهه‌های پیشین در کتابخانه‌های آمریکایی مطرح بود و غالباً راه‌حلی برای آن ارائه می‌شد (البته در اینجا راه‌حلی به چشم نمی‌خورد). ولی در دهه‌های اخیر که در اکثر کشورها، از جمله ایران، مقرراتی برای عدم استعمال دخانیات در محیط‌های سر بسته وجود دارد، جواب این پرسش حتماً منفی است. - «اگرچه شکل و نمای بیرون ساختمان جزء حرفه تخصصی آرشیوتکت است نه کتابدار، اما نظریات او احتمالاً تأثیرگذار خواهد بود» (همان‌جا). اتفاقاً درباره نمای ساختمان و شکل بیرونی هیچ‌گونه حقی برای کتابدار قائل نیستند. بهتر است کتابدار با دخالت‌نکردن در چنین مواردی، حق اظهار نظر را در سایر موارد که بیشتر لازم است برای خود حفظ کند.

- «آرشیوتکت (معمار) و احتمالاً کتابدار اهمیت قابل ملاحظه‌ای به برنامه‌ریزی کف و کفپوش طبقات کتابخانه نمی‌دهند. متأسفانه همیشه این تمایل وجود دارد که کفپوش طبقات تا حدی ارزان تمام شود» (ص ۲۸). راستی چه چیزی مؤلف را به این نتیجه رسانده که معمار و کتابدار برای کف و کفپوش کتابخانه اهمیت کافی قائل نیستند. چه مستندی برای این نظر وجود دارد؟ بهتر نیست که برای آرای شک‌برانگیز اگر مستندی وجود دارد، ارائه شود؟ می‌شود با اطمینان گفت که درباره راحتی و آرامش خاطر کاربران بین معمار و کتابدار حداقل توافق نسبی وجود دارد. - «کف کتابخانه نباید لغزنده و گرد و خاک دوست (?) باشد» (ص ۲۹). بهتر است عبارت مشخص‌شده با «جاذب گرد و خاک» جایگزین شود. - «بعضی از کتابداران و مهندسان کتابخانه ترجیح می‌دهند پنجره‌ها را بالاتر از قفسه‌ها نصب نمایند» (همان‌جا). آیا با وجود سقف‌های کوتاه (ص ۲۷) این کار امکان‌پذیر است؟ در ضمن پنجره بالای قفسه «زیبایی و دلگشایی» مورد نظر را به کتابخانه نمی‌دهد. - «در این باره (نور) تحقیقات تخصصی و مستقلی انجام نشده است» (همان‌جا). منابع متعددی برای تحقیقات تخصصی درباره نور کتابخانه وجود دارد. مراجعه به اینترنت با استفاده از اصطلاحات "library building" و "lighting" فهرست این منابع را نشان خواهد داد. به برخی از آنها در اینجا اشاره شده است؛ «نور در تمام محل‌های کتابخانه باید یکسان و یک اندازه باشد». «نور مناسب روی سطح میزهای مطالعه در حدود ۵۰۰ لوکس است». در ضمن مطالب مندرج در بخش نورپردازی (ص ۲۹) خود مؤید تحقیقات تخصصی و مستقلی است که درباره نورپردازی در کتابخانه صورت گرفته است. نمونه‌ای از این منابع در بخش منابع پایان مقاله ذکر شده است. - «در ساختمان کتابخانه‌های دارای بیش از یک طبقه باید برای حمل و نقل مواد کتابخانه از یک طبقه به طبقه دیگر امکاناتی را در نقشه ساختمان پیش‌بینی کرد از جمله ... نقاله‌های کتاب ...» (ص ۳۲). نقاله کتاب در سطوح افقی کاربرد دارد و برای انتقال عمودی از

«در محوطه کتابخانه‌های دانشگاهی و عمومی با طراحی محل‌هایی برای مطالعه راحت در هوای آزاد، آرام و ساکت موجبات رضایت بیشتر دانشجویان و اعضای کتابخانه فراهم شود» (ص ۳۶). البته قطعاً چنین طرحی باعث خشنودی مراجعه‌کنندگان خواهد شد. ولی ایجاد فضای مطالعه در هوای آزاد مانند بالکن‌ها یا فضای سبز بیرونی اصولاً توصیه نمی‌شود. دلیلی عمده آن احتمال وجود گرد و خاک و ایمنی وسائل و تجهیزات است.

بند ب. «ضایعات مصرف آب و برق چقدر است، آن را محاسبه کنید. راه‌های جلوگیری از این ضایعات را بررسی نمایید» (ص ۳۶). محاسبه و بررسی ضایعات وظیفه چه کسی است؟ کتابدار یا سایر متخصصان؟ صراحت بیشتری در این مورد لازم هست. به‌طور کلی، تمام موارد مندرج در بخش تأسیسات و خدمات به‌عهده کادر فنی ذی‌ربط است و کتابدار نمی‌تواند در آن نقشی داشته باشد. قطعاً نظر مؤلف نیز همین است و بهتر بود قید می‌شد. مثل مورد مبلمان و تجهیزات (همان‌جا) که به‌روشنی آن را جزء وظایف کتابدار دانسته است.

اظهارنظر درباره ساختار و ترکیب ساختمان کتابخانه، بررسی امکانات و تسهیلات ساختمان، محاسبات مربوط به شبکه، تعیین تعداد و محل ستون‌ها و دیوارها، مقاومت کف‌های سالن، ارتفاع سقف انبار، ارتفاع ساختمان، و نظایر آن (ص ۳۷) به‌عهده معمار ساختمان است. وظایف کتابدار ارائه اطلاعات لازم درباره نوع و تعداد مواد، فضاهای مختلف و کارکرد آن، فضای لازم برای هر وظیفه، ابعاد و شکل تجهیزاتی که در هر ناحیه باید جای داده شود و موارد مشابه است. معمار با اطلاعات ارائه‌شده از سوی کتابدار طراحی و محاسبه را انجام می‌دهد و کتابدار با بررسی نقشه معمار از تأمین خواسته‌های خود مطمئن می‌شود.

در صفحه ۳۷، شماره ۱۱ (شکل و فرم ساختمان کتابخانه) می‌تواند در شماره ۷ (شکل و نمای خارجی) ادغام شود.

در همان صفحه، شماره ۱۲ (محل و مکان و موضوع ساختمان) نیز می‌تواند در شماره ۲ (موقعیت محل) ادغام گردد.

«کتابخانه‌های سیار» (ص ۴۰). از ساختارهای موقت در مناطقی استفاده می‌شود که دارای جمعیت کم یا جداگانه‌ای هستند که نمی‌توان برای آنها یک کتابخانه دائمی و مستقل و تمام‌وقت بنا کرد. از دیگر ساختارهای موقت، کتابخانه‌های کاروانی، یک‌کش، کانتینری، شناور، دوره‌گرد (مسافرتی) هستند.

«طراحان کتابخانه‌های عمومی درهای خروجی را طوری طراحی می‌کنند که خروج از هر نقطه کتابخانه قابل کنترل است [باشد]» (ص ۴۳). معمولاً در ساختمان کتابخانه‌های مختلف یک نقطه کنترل خروج مرکزی در نظر گرفته می‌شود تا کنترل مراجعه‌کنندگان به کتابخانه و ورود و خروج آنها از یک نقطه انجام شود. در نظر گرفتن درهای متعدد برای خروج یا ورود تنها می‌تواند مشکلاتی را درباره کنترل و افزایش هزینه‌های مربوطه پیش آورد.

«از زیرزمین برای انجام خدمات فنی و ... استفاده فراوان می‌شود» (همان‌جا). آیا منظور از خدمات فنی، "technical services" یا اموری از قبیل سفارش و آماده‌سازی مواد کتابخانه‌ای است؟ در این صورت کم‌لطفی به همکاران کتابدار است که محل کار آنها را در زیرزمین کتابخانه قرار دهیم. بهتر است جایی که قابل تحمل تر

از نظر فضا و نور باشد، در طبقه همکف یا بالاتر را پیشنهاد کنیم. - مشخص نیست که نمودارهای صفحات ۴۴ - ۴۸ به چه کتابخانه‌هایی تعلق دارند. بهتر بود که مانند نمودارهای صفحه ۶۸ - ۶۹ مشخص می‌شد. البته بهتر است اشاره شود که هر کدام از این طرح‌ها چه ویژگی‌هایی دارند و مزیت آنها نسبت به هم‌دیگر کدام است.

«امروزه بسیاری از کتابخانه‌های عمومی بزرگ و کوچک مستقل یا وابسته ساخته و راه‌اندازی می‌شود» (ص ۴۹). مفهوم این جمله چندان مشخص نیست و در ادامه نیز توضیحی که راهگشا باشد، دیده نمی‌شود. آیا منظور این است که کتابخانه‌های شاخه (عمومی) وابسته به کتابخانه عمومی (اصلی یا مرکزی) شهر هستند یا وابسته به سازمان دیگری؟

«در اینجا (کتابخانه عمومی) همان احساس شادی و نشاطی باید به مراجعه‌کننده دست دهد که در پارک‌ها دست می‌دهد» (همان‌جا). البته ما آرزوی نشاط و شاد برای همه هم‌وطنان، به‌خصوص کاربران کتابخانه‌ها، داریم. ولی آیا واقعاً احساس ما در بوستان و کتابخانه باید یکی باشد؟

«چه فایده که اهداف تحسین‌برانگیز داشته باشیم ولی نتوانیم آنها را پیاده کنیم» (همان‌جا). بشر همواره دارای اهداف و آرزوهایی است و استانداردهایی برای نیل بدان‌ها وضع می‌کند. ما همیشه باید چشم به این غایات مطلوب داشته باشیم و جهت حرکت خود را به سوی آنها تنظیم کنیم. بنابراین داشتن اهدافی که در حال حاضر دست‌نیافتنی هستند، فی‌نفسه اشکالی ندارد. ولی این جمله با آنچه در چند سطر بالاتر گفته شده، همخوانی ندارد: «کتابخانه‌های عمومی باید به آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک مردم جامعه عمل بیوشانند بدانند که جامعه ایدئال بر این اساس پابرجا و پیشرو می‌ماند» (همان‌جا).

«اهمیت این کتابخانه‌ها (بیمارستانی) در خدمت به مردمی است که به‌دلایل مختلف نمی‌توانند به کتابخانه‌ها دسترسی داشته باشند» (ص ۵۰). بهتر بود گفته می‌شد به سایر انواع کتابخانه‌ها.

«کتابخانه‌های اختصاصی ... به طرح و نقشه خاص و ساختمان جداگانه نیاز ندارند» (ص ۵۱). البته در بسیاری از سازمان‌ها فضایی را در ساختمان یا تأسیسات موجود به کتابخانه اختصاص می‌دهند. ولی آیا در این شرایط نمی‌توان در درون همان فضای تخصیص‌یافته طرح مناسبی برای کتابخانه تدارک دید، یا نمی‌توان بین گزینه‌های مختلفی که در داخل سازمان وجود دارد، گزینه بهتری را انتخاب کرد؟ اگر سازمان در یک پردیس بزرگ با زمین‌های قابل استفاده که در محل مناسبی نیز هستند، واقع شده باشد (مانند پژوهشگاه آموزش و پرورش شیراز)، آیا نمی‌توان و نباید از طرح خاص و ساختمان جداگانه استفاده کرد. پژوهشگاه آموزش و پرورش شیراز در پردیس خود محل مناسبی را برای کتابخانه در نظر گرفته که هم طرح و نقشه خاص و هم ساختمان جداگانه‌ای دارد. نظایر آن را حتماً می‌توان در سایر شهرهای ایران جست‌وجو کرد.

در صفحه ۵۱ به کتابخانه ملی (نسبت به کتابخانه عمومی) آن‌گونه که شایسته است، پرداخته نشده است.

«کتابخانه مدارس» (همان‌جا) یا آموزشگاهی (همان‌طور که در صفحه ۵۲ نیز اشاره شده است): «کتابخانه مدرسه تنها مرکز آموزش و یادگیری نیست، بلکه مرکز مواد و وسائل آموزشی و مرکز منابع

**اظهارنظر درباره
ساختار و ترکیب
ساختمان کتابخانه،
بررسی امکانات و
تسهیلات ساختمان،
محاسبات مربوط به
شبکه، تعیین تعداد
و محل ستون‌ها و
دیوارها، مقاومت
کف‌های سالن، ارتفاع
سقف انبار، ارتفاع
ساختمان، و نظایر
آن به‌عهده معمار
ساختمان است.**



**معمار با اطلاعات
ارائه شده از سوی
کتابدار طراحی و
محاسبه را انجام
می دهد و کتابدار با
بررسی نقشه معمار
از تأمین خواسته های
خود مطمئن می شود**

دارند» (همان جا). ضمن تأیید تمام موارد ذکر شده در این بخش، این پرسش بلافاصله به ذهن خطور می کند که آیا این ویژگی ها خاص کتابخانه های دانشگاهی است یا در کتابخانه های دیگر نیز می توانند کاربرد داشته باشند؟ البته مطالب مندرج در بخش های دیگر کتابخانه های دانشگاهی نیز کم و بیش چنین ماهیتی دارند؛ مانند بند سوم همین صفحه درباره مهندس معمار کتابخانه دانشگاهی.

- «در کتابخانه چندطبقه (دانشگاهی)، معمولاً طبقه همکف برای خدمات امانت، خدمات مرجع، و ... و خدمات امانت بین کتابخانه های و خدمات فنی اختصاص می یابد» (همان جا). به خدمات ذکر شده اصطلاحاً خدمات مرکزی یا کلیدی^{۱۷} گفته می شود. همان طور که اشاره شد جای آن باید در طبقه همکف یا ورودی کتابخانه و بلافاصله پس از سرسرای^{۱۸} کتابخانه باشد، طوری که خواننده بتواند با ورود به کتابخانه آنها را مشاهده کند. البته علاوه بر خدمات امانت، اعم از درون کتابخانه ای یا بین کتابخانه ای و خدمات مرجع، مجموعه کتاب شناسی و فهرست عمومی کتابخانه و مجموعه کتب ذخیره^{۱۹} نیز جزء خدمات کلیدی در کتابخانه های دانشگاهی هستند که باید در طبقه همکف واقع شوند. خدمات فنی، سالن مطالعه و نشریات ادواری نیز در صورت داشتن فضای کافی می توانند در طبقه همکف قرار گیرند.

- «کتابخانه های مدارس عالی [کالج؟] معمولاً در ساختمانی که محل انجام فعالیت های دیگر مدرسه عالی است، مسقر می گردد ... کتابخانه های مدارس عالی باید هماهنگ و متناسب با توسعه رشته های آموزشی آنها گسترش یابند» (ص ۶۶). کتابخانه های مدارس عالی که تقریباً معادل کتابخانه های کالج در کشورهای غربی هستند، نوع خاصی از کتابخانه به شمار می آیند. ویژگی ها و الزامات این کتابخانه ها تفاوت زیادی با کتابخانه های دانشگاهی دارد، به طوری که استانداردهای خاصی برای آنها تدوین و گسترش یافته است. با توجه به رشد و گسترش مؤسسات غیرانتفاعی آموزش عالی، که تقریباً همان خصوصیات کالج های غربی را دارند و در سال های اخیر گسترش زیادی در کشور ما یافته اند، شایسته بود که بخش جداگانه ای به کتابخانه های کالج اختصاص می یافت.

- «به طور متوسط برای هر دانشجو (در کتابخانه های دانشگاهی)

آموزشی نیز به حساب می آید» بیشتر با نام «مرکز رسانه ها» یا «مرکز منابع» یا «مرکز منابع کتابخانه آموزشی» و غیره نامیده می شود. «کتابخانه کلاسی» نافی کتابخانه مدارس نیست، بلکه این دو می توانند در کنار هم در یک مدرسه وجود داشته باشند. البته همان طور که در کتابخانه دانشگاهی معمار و کتابدار، هر دو، می توانند ایفای نقش کنند در طراحی ساختمان مدارس نیز می توان برای معمار و کتابدار، هر دو، نقشی شایسته در نظر گرفت. گرچه این امر در شرایط فعلی ایران بسیار ایده آل است، ولی قابل طرح است و می توان روی آن، به عنوان یک هدف (گرچه بلندپروازانه)، کار کرد. در فصل هشتم (ص ۱۷۸) از اصطلاح «مرکز رسانه ها» برای کتابخانه های مدارس استفاده شده است.

- «بهتر است برای کتاب های برگشتی (کتابخانه مدارس) در ایام تعطیل، جعبه یا صندوقی شکاف دار در راهروی نزدیک کتابخانه نصب شود تا کتاب های برگشتی را درون آن بیندازند» (ص ۵۴). آیا مدارس در ساعات شب یا روزهای تعطیل باز هستند؟

- جای «صندوق یا شکاف برگشت کتاب»^{۱۵} نیز در بخش تجهیزات کتابخانه خالی است.

- گرچه طرح های ارائه شده در صفحات ۶۱ - ۶۴ جالب توجه است، بهتر بود آنها را در فصل «تجهیزات» بیاوریم. به جای آن اگر طرح هایی برای ساختمان یا فضاهای کتابخانه کودکان آورده شود، تناسب بیشتری دارد.

- آیا منظور از «میزهای تک نفره دیواره دار» (ص ۶۵) همان کابین^{۱۶} یا میز مطالعه انفرادی است؟

- «هدف اصلی امکانات فضای داخلی کتابخانه (دانشگاهی) این است که با تغییر و تطبیق تجهیزات، نیازهای مراجعان کتابخانه برآورده شود و مبلمان کتابخانه که قبلاً به صورت سنتی ثابت بوده، قابل حرکت و جابه جایی باشد. طرح رنگ آمیزی داخل کتابخانه به تفصیل مشخص می گردد. جنس کف کتابخانه برحسب جغرافیای محل تعیین می شود. مبلمان کتابخانه بهتر است چوبی و احتمالاً از چوب بلوط یا درخت غان باشد. استفاده سریع و مفید از منابع کتابخانه به تابلوهای راهنما و نشانه های دیداری بستگی داد و به همین دلیل گرافیسیتها در طراحی منظره داخلی کتابخانه نقش مهمی برعهده

تا دو متر مربع فضا در نظر می‌گیرند» (همان‌جا). فضای لازم برای هر دانشجوی کارشناسی به‌طور میانگین سه مترمربع است. این مقدار برای دانشجوی کارشناسی ارشد به سه‌ونیم مترمربع و برای دانشجویان دکتری تا چهار مترمربع افزایش می‌یابد. این ارقام شامل فضای معماری در خارج از ناحیه مطالعه نمی‌شود (متاسفانه^۲، ص ۶۶).

«مواد تازه جای کمتری نسبت به میزان منابعی که به‌شکل کتاب است، اشغال می‌کنند ... در حالی که خواننده برای استفاده از این شکل اطلاعات به یک دستگاه نیاز دارد، به‌علاوه رسانه‌های دیداری و شنیداری ... لاجرم فضای زیادی را اشغال خواهند کرد» (ص ۷۰). به‌طور کلی با استفاده از فناوری جدید در کتابخانه‌ها تغییری در فضای موردنیاز به‌وجود نمی‌آید، بلکه تنها در تخصیص فضا باید تغییراتی را اعمال کرد (متاسفانه^۱، ص ۷۰).

«نمابر، تلویزیون مداربسته، ماشین تحریرهای نواردار، فهرستگان ماشینی و اتوماتیک، ذخیره و نگهداری اطلاعات، به محل و وسائل ارتباطی و برق نیاز دارند» (ص ۷۰). گاهی اوقات حذف یکی از علائم نقطه‌گذاری مانند ویرگول (که ممکن است سهل‌انگاری حروف‌چینی باشد) مفهوم جمله را تغییر می‌دهد یا آن را نامفهوم می‌سازد.

«اما این اشکال همیشه وجود دارد که کتابدار فرض می‌کند مهندسان به‌اندازه کافی و وافی با کتابخانه و انواع آن آشنا هستند و به رمز و راز هریک از آنها پی‌برده‌اند» (ص ۷۱). مشکلی که در بیشتر کتاب‌های ساختمان و تجهیزات کتابخانه بدان تأکید می‌شود، این است که گروه فنی و حتی مقامات سازمان مادر کتابخانه نقشی برای کتابدار (رئیس کتابخانه) در طراحی و تجهیز کتابخانه قائل نیستند و تمایل او را برای شرکت در این امور نادیده می‌گیرند. کتابدار بهترین فردی است که با محیط داخلی کتابخانه و الزامات آن آشناست. او تنها کسی است که محدودیت‌های کتابخانه فعلی خود را می‌شناسد، می‌داند چه خدماتی در کتابخانه ارائه می‌شود، و از برنامه‌های آتی کتابخانه برای خدمات و وظایف جدید آگاهی دارد. او به‌عنوان یک کتابدار مسئول و آگاه بیش از هر کسی دغدغه ساخت کتابخانه‌ای را دارد که مطابق نیازها و خواسته‌های او و استانداردهای موجود باشد. حال‌چطور چنین فردی یک‌باره نقش خود را فراموش می‌کند و همه چیز را به مهندسان [معمار] وامی‌گذارد؟ همان‌طور که به‌درستی اشاره شده است «هر کتابخانه فضا و محیط مخصوص به خود را دارد و با کتابخانه دیگر متفاوت است». (ص ۷۱) چه کسی بهتر با این تفاوت‌ها آشناست؟ پاسخ قطعی این است: کتابدار. آیا کتابداران (ما) تا این حد با قابلیت‌ها و آگاهی‌ها و مسئولیت‌های خود ناآشنا هستیم؟ کتابداران فقط در شرایطی خود را کنار می‌کشند که یا کسی به آنها بهایی ندهد یا کاملاً نسبت به محیط کار و حرفه خود بی‌تفاوت باشند. البته در بیشتر موارد بی‌تفاوتی و دل‌سردی کتابداران نتیجه مستقیم بها ندادن به آنهاست. مؤلف خود نیز در صفحات مقدماتی کتاب به این امر اذعان کرده است: «مشکلات و تنگناهای ساختمان و محل و موقعیت نامناسب اغلب کتابخانه حاکی از عدم توجه و به‌کارگیری نظر تخصصی و حرفه‌ای کتابدار است» (ص ۱۰).

مقصود از «مدیریت کابل» (ص ۷۶) چیست؟

در صفحه ۷۷، در فهرست مندرجات (برنامه ساختمان) در بخش اول، بهتر است که جای بند سوم «جمعیتی که در حال حاضر خدمت‌رسانی می‌شوند» و چهارم «رشد جمعیت ... در بیست سال آینده» عوض شود. مثل بخش دوم مجموعه کتابخانه که ابتدا مجموعه حاضر و سپس (رشد آن را) برای بیست سال آینده در نظر گرفته است. البته بند «مجموعه مواد کتابخانه ...» در بخش دوم تکرار شده است.

ص ۷۹.

در صفحه ۷۹، بند ۱۴، بخش سوم برنامه ساختمان، مقصود از «اتاق‌های مطالعه در سکوت» چیست؟

معمولاً در کتابخانه‌های عمومی یا دانشگاهی محلی مجزا را برای مطالعه گروهی^{۲۲} یا در اصطلاح مطالعه شلوغ در نظر می‌گیرند تا مزاحمتی برای سایر افرادی که می‌خواهند در آرامش یا سکوت مطالعه کنند، پیش نیاید. در واقع فرض بر این است که همه محل‌های مطالعه در کتابخانه جزء «اتاق‌های مطالعه در سکوت» است.

«یکی از وظایف روشن کتابدار این است که به‌طور خلاصه مهندس معمار را از وسعت و بزرگی کتابخانه موردنیاز آگاه سازد، نه تنها» (به مقیاس متر مربع) و متر مکعب بلکه ... با توجه به تعداد استفاده‌کنندگان ... تعداد کتاب‌ها ...» (ص ۸۳). ضمن تأیید سایر عوامل مثل تعداد مراجعه‌کننده و کتاب و نوع تجهیزات، ارائه «مقیاس مترمربع و مترمکعب» نیز نه‌تنها مفید، بلکه لازم است.

«... اطلاعات مربوط به وسعت و بزرگی کتابخانه] در دو بخش خلاصه می‌شود: ۱. اطلاعات مربوط به خوانندگان و ... کارمندان؛ ۲. اطلاعات مربوط به مواد...» (همان‌جا). فضای موردنیاز خوانندگان و کارمندان تابع مجموعه کتابخانه است نه برعکس. به همین دلیل در طراحی ساختمان کتابخانه الویت با فضای مجموعه است و با توجه به اندازه و تنوع مجموعه کتابخانه فضایی متناسب با آن نیز برای خوانندگان و کارکنان در نظر گرفته می‌شود. پس بهتر جای بند ۱ و ۲ در این بخش عوض شود.

در صفحه ۱۲۲ نیز ذکر شده است که «ففسه‌بندی مخزن به‌تنهایی بزرگ‌ترین فضا را در کتابخانه متداول و سنتی به خود اختصاص می‌دهد».

«استانداردها غالباً مبنایی پراکنده و غیرثابت دارند و حتی بعضی غیرمنطقی هستند و با شرایط و امکانات همه‌جا سازگاری ندارند» (ص ۸۴). درست است که استانداردها در بیشتر موارد با توجه به شرایط و امکانات محلی وضع می‌شوند، ولی اینکه «غیرمنطقی» باشند، محل تردید است. به هر حال هر استانداردی که در جای دیگر وضع می‌شود، ممکن است برای ما قابل پیاده‌کردن نباشد و در نهایت غیرقابل قبول تلقی گردد، ولی نمی‌توان گفت غیرمنطقی است. شاید شرایط ما برای آنها (مبدأ استاندارد) نیز پذیرفتنی و منطقی نباشد.

«منطقی نیست که عملکرد کتابداران را با آمار و ارقام استاندارد بسنجیم» (ص ۸۵). اگر گفته شود با استانداردهای کشورهای دیگر (یا غیر محلی) نباید عملکرد کتابداران سنجیده شود، قابل قبول است. اصولاً هدف از ارائه استانداردها چیست؟ استانداردها از یک طرف نقطه یا شرایط مطلوب را تعیین می‌کنند که می‌تواند به‌عنوان غایت مطلوب یا هدف مسیر ما را مشخص کند، و از طرف دیگر معیاری برای سنجش عملکرد در اختیار ما می‌گذارد. و به‌گفته مؤلف «یک

مشکلی که در بیشتر کتاب‌های ساختمان و تجهیزات کتابخانه بدان تأکید می‌شود، این است که گروه فنی و حتی مقامات سازمان مادر کتابخانه نقشی برای کتابدار (رئیس کتابخانه) در طراحی و تجهیز کتابخانه قائل نیستند و تمایل او را برای شرکت در این امور نادیده می‌گیرند

**در بخش قفسه‌ها،
در فصل چهارم یا
نهم شایسته بود که
به کمک یک نمودار
شکل عمومی قفسه
کتابخانه^{۲۷} نشان داده
می‌شد تا خواننده به
تفاوت بین قفسه و رف
پی ببرد**

نوع راهنما و توصیه به‌شمار می‌آیند» (ص ۸۵). با توجه به تمام اینها چطور منطقی نیست که عملکرد کتابداران با آن سنجیده شود؟ آیا معیار دیگری برای سنجش عملکرد کتابداران (کارکنان) وجود دارد؟ - «در چنین جوامعی [روستایی] تخمین زده می‌شود که ۲۵ تا ۳۰ درصد مردم برای خواندن کتاب به کتابخانه مراجعه نمایند» (ص ۸۶). با توجه به برآورد مویسن^{۲۳} در پایین همین صفحه که مراجعه‌کنندگان کتابخانه‌های عمومی را فقط ۲۰ درصد دانسته است، آیا برآورد مراجعه‌کنندگان کتابخانه‌های روستایی (۲۵ تا ۳۰ درصد) کمی اغراق‌آمیز نیست؟

- «برای آنها [افرادی که از خدمات کتابخانه‌های روستایی استفاده می‌کنند] که در فواصل دورتری ساکن هستند، باید کتابخانه شعبه تأسیس کرد» (همان‌جا). آیا بهتر نیست برای این گروه از جامعه، که جمعیت کمی دارند، خدماتی چون کتابخانه‌های سیار یا کاروانی و نظایر آن در نظر گرفته شود؟

- «در کتابخانه‌های دانشگاهی، محل نشستن استفاده‌کنندگان بهتر است نزدیک قفسه‌های کتاب باشد» (ص ۸۸). آیا این توصیه برای تمام محل‌های نشستن (یا محل‌های مطالعه) است، یا بهتر است که نزدیک قفسه‌های کتاب نیز محل‌هایی را برای نشستن تدارک دید؟

- «در مورد نشریات فرض بر این است که یک چهارم نشریات نمایشی است و سه‌چهارم بقیه در مخزن نگهداری می‌شود» (ص ۹۰). آیا منظور از «نمایشی» همان نشریات جاری است که به نمایش گذاشته می‌شوند؟

- «در مورد ارتفاع قفسه‌ها از نظر صرفه‌جویی در جا [فضا] بهتر است هر قفسه به‌جای پنج ردیف، شش ردیف داشته باشد» (ص ۱۰۰). البته یک قفسه استاندارد باید دارای هفت رف^{۲۴} باشد.

- «پیشانی و کتیبه پایین قفسه‌ها...» (ص ۱۰۰) پیشانی (خیمه پوششی یا فوقانی) (top or canopy) کتیبه پایین (صفحه پایه) (base plate)

- «قفسه‌بندی بسته» (همان‌جا). قفسه بسته یا مخزن بسته (closed stack)

- «قفسه‌بندی باز» (ص ۱۰۱). قفسه باز یا مخزن باز (open stack)

- «بیش از دوسوم یک رف را نباید اشغال کرد» (ص ۱۰۲). آیا مقصود از این جمله برای مخازن باز است یا بسته؟ رقم سه‌چهارم نیز برای میزان اشغال یک رف توصیه شده است.

ص. ۱۰۳ تا ۱۰۵.

- در بخش «استاندارد فاصله‌های مبلمان کتابخانه» (ص ۱۰۳ - ۱۰۵)، نیز بهتر بود مانند سایر استانداردها توضیح لازم ذکر می‌شد. در این بخش اگر به اصطلاحاتی چون فاصله ایمنی بین مبلمان^{۲۵} و فاصله مرکزی^{۲۶} (فاصله بین ستون‌های عمودی در یک ردیف و ستون‌های عمودی در ردیف موازی بعدی یا فاصله بین مراکز دو قطعه از تجهیزات مشابه یا ساختار مشابه که به موازات هم دیگر هستند) اشاره می‌شد، راهگشاستر بود. این استانداردها بدون هیچ‌گونه توضیحی به کمک نمودار ذکر شده است.

- در بخش قفسه‌ها، در فصل چهارم یا نهم (ص ۲۰۸) شایسته بود که به کمک یک نمودار شکل عمومی قفسه کتابخانه^{۲۷} نشان داده می‌شد تا خواننده به تفاوت بین قفسه و رف پی ببرد و با اصطلاحات

مربوط به آن مانند مخزن^{۲۸}، ردیف^{۲۹}، چارچوب^{۳۰}، شمع عمودی یا تیر راست^{۳۱}، پشتیبان^{۳۲}، صفحه پایه^{۳۳}، قطعه انتهایی^{۳۴} آشنا شود.

- «در فضای بخش امانت معمول است که بین فضای اولیه ... و فضای ثانویه ... و فضاهای ثالثه بینابینی تمایز قائل شد» (ص ۱۰۶).

در مباحث مربوط به فضاهای کتابخانه علاوه‌بر فضاهای ناخالص، تخصیص‌یافتنی (کاربردی)، معماری یا، تخصیص‌نیافتنی (یا غیرکاربردی)، کمکی (خدمات و محیطی) به فضای توزیع^{۳۵} نیز اشاره می‌شود. در اینجا مراد از "circulation" توزیع و هدایت خواننده به بخش‌های مختلف کتابخانه است و نه "circulation table" (میز امانت). در بحث فضای توزیع، معمول است که بین توزیع اولیه یا راهروهای اصلی که شامل دهلیز^{۳۶} و سراسر است، و فضای ثانویه یا شبکه راهروهای اصلی^{۳۷} کتابخانه که بخش‌ها و گروه‌بندی‌ها را به هم متصل می‌کند، و فضای ثالثه که در درون ناحیه کاری است و شامل راهروهای بین مبلمان و قفسه‌ها^{۳۸} می‌شود، تفاوت قائل می‌شوند. پهنای این راهروها از دو متر برای مسیر اصلی تا ۷۵ سانتی‌متر برای گذر بین میزها متفاوت است (تامپسون^{۳۹}، ص ۱۰۶).

در پایان همین بند در صفحه ۱۰۶ آمده است: «خوانندگان برای انجام فعالیت‌های ضروری خود، ابتدا در این محل [طبقه ورودی]: سراسر یا فضای توزیع اولیه [گرمی‌آیند، و بعد از آن برای برآوردن نیازهای ویژه خود در بخش‌های دیگر کتابخانه (از طریق فضای تویع ثانویه و ثالثه) پخش می‌شوند».

- «سراسرای ورودی» (ص ۱۰۸) یا لابی کتابخانه. این ناحیه از مهم‌ترین بخش‌های کتابخانه است که بین عملکردهای متعدد، وظیفه توزیع اولیه خواننده را در کتابخانه برعهده دارد. محل خدمات کلیدی یا مرکزی کتابخانه نیز در سراسرای ورودی است. از نظر پیوستگی مطالب هنگام ذکر ناحیه‌های کتابخانه، بعد از توقفگاه و فضای سبز بیرون کتابخانه، الویت با دهلیز و سراسرای ورودی کتابخانه است.

- «مساحت واگذار دنی و مساحت کل» (ص ۱۱۹). فضای واگذار دنی (عملکردی یا کاربردی یا تخصیص‌یافتنی^{۴۰}) و فضای غیرواگذار دنی (غیرکاربردی یا تخصیص‌نیافتنی یا معماری^{۴۱}) روی هم مساحت کل یا فضای ناخالص^{۴۲} را تشکیل می‌دهند. در برنامه‌ریزی فضاهای کتابخانه باید به این مطالب پرداخته شود.

لغات لاتین

در متن کتاب (در صفحات بررسی‌شده) گاهی اوقات از لغات لاتین استفاده شده است. برای هماهنگی در متن پیشنهاد می‌شود معادل‌های زیر (یا اگر معادل مناسب‌تری سراغ دارند) استفاده شود.

چک: وارسی (ص ۳۱)؛ آرشیوتکت: معمار (ص ۲۸)؛ کامپیوتر: رایانه؛ مدرن: جدید (ص ۳۱)؛ ترافیک: آمدوشد (ص ۳۳)؛ پارکینگ: توقفگاه (ص ۳۴)؛ سیستم: نظام (ص ۳۵)؛ پارک: بوستان یا گردشگاه (ص ۴۹)؛ تکنیک: فن (ص ۷۰)؛ اتوماتیک: خودکار (ص ۷۰)؛ پروژه: طرح (ص ۷۷)؛ میکروفرم: شکل خرد (ص ۹۱).

غلط‌های چاپی

در صفحات بررسی‌شده غلط‌های چاپی زیر نیز دیده شد:

- _مان به‌جای همان (ص ۲، س اول)؛

- فقط به‌جای فقط (ص ۱۳، بند سوم)؛

12. Bibliotheque Nationale
13. Building planning committee / Design team / Planning committee
14. Booklift
15. book return box or slot
16. carrel
17. key services
18. lobby
19. reserve books
20. Metcalf. Planning Academic and Research Library Buildings
21. Metcalf. Planning Academic and Research Library Buildings
22. group study
23. Mevissen
24. shelf
25. clearance
26. center or on center
27. section
28. stack
29. tier
30. frame
31. upright
32. support
33. base plate
34. end panel
35. circulation space
36. vestibule
37. corridors
38. aisles
39. Thompson: Planning and Design for Libraries
40. assignable space
41. non-assignable or architectural space
42. gross space
43. full text database

- پزاکنده به جای پراکنده (ص ۸۴).

عدم ذکر معادل لاتین برخی از واژگان

مؤلف معادل لاتین واژگان زیر را ذکر نکرده است.

جاکتایی (۱۵): سبک غرفه‌ها (ص ۱۵) و روش غرفه‌ای (ص ۱۴)؛
قفسه‌بندی دیواری (ص ۱۵): قفسه‌های متحرک (ص ۱۴)؛ روش
ثابت کردن کتابها (ص ۱۶)؛ جاکتایی (ص ۱۵)؛ کمیته برنامه‌ریزی و
ساختمان (ص ۲۳)؛ و پایگاه‌های اطلاعات تمام‌متن^{۴۳} (ص ۹۲).

منابع منتشرشده در زمینه ساختمان و تجهیزات کتابخانه

کتاب‌هایی که در زمینه ساختمان و تجهیزات کتابخانه منتشر شده‌اند، به شرح ذیل است.

۱. آنتون، پاولین. مبانی نظام‌ها و خدمات اطلاعاتی - فصل هفتم: «ساختمان و تجهیزات»، ترجمه: شهلا بهاور، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۲.
۲. استاندارد کتابخانه‌های دانشگاهی ایران، ویراستار: شیرین تعاونی، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵.
۳. پرتو، بابک. ساختمان و تجهیزات کتابخانه، تهران: چاپار، ۱۳۸۵.
۴. تسبیحی، غلامرضا. ساختمان و تجهیزات کتابخانه، تبریز، ۱۳۵۷.
۵. تعاونی، شیرین. وسایل و تجهیزات کتابخانه، تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۵۲ (چاپ دوم، ۱۳۶۳).
۶. _____ . استانداردهای وسایل و تجهیزات کتابخانه‌ها و مرکز اطلاع‌رسانی، با همکاری ناصر آصفی، تهران: ۱۳۷۷.
۷. جسی، ویلیام اچ. مخزن کتابخانه، ترجمه: مجتبی اسدی انجلیه، تهران: جهاد دانشگاهی مرکز، ۱۳۶۳.
۸. دوشن، میشل. ساختمان و تجهیزات آرشیو، ترجمه: شهلا اشرف و رضا مهاجر، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۱.
۹. عازم، پرویز. ساختمان و تجهیزات کتابخانه: مدیریت و برنامه‌ریزی، ویرایش دوم، تهران: کتابدار، ۱۳۸۶، (چاپ اول، دبیر خانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، ۱۳۷۵).
۱۰. شریف مقدم، هادی. ساختمان و تجهیزات کتابخانه (با تأکید بر کتابخانه‌های دانشگاهی ایران). تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶.

ماخذ:

1. Blackwell, H. Richard. Lighting the Library: Standards for Illumination. In the Library Environment: Aspects of Interior Planning. American Library Association, Chicago, 1995. pp. 26-27.
2. Jeffrey, Robert W. South Hall, an Experiment in Artificial Lighting. 1994.
3. Jordan, Robert T. Lighting in university libraries. UNESCO Bulletin for Libraries, 17:326-336, November-December, 1993.
4. Ketch J. M. Library Lighting. Published by the Lamp Division of General Electric. 23(2): 15-21, March-April, 1994.

پی‌نوشت‌ها:

1. babakparto@yahoo.com
2. single or one room libraries
3. Angus Snead McDonald
4. Ralph Ellsworth
5. Modular
6. bay
7. module
8. moveable shelving
9. free standing shelving
10. Compact moveable shelving
11. fixed function building